

## پژوهشی در مصاحبه رادیو صدای آمریکا

### با اعلیحضرت درباره انتخابات!

امیرفیض - حقوقدان

این مصاحبه که تازه ترین بیانات اعلیحضرت درمورد انتخابات جمهوری اسلامی است تاکید برنظریه سابقشان دررجوع ایرانیان به سفارتخانه ها و دادن رای به صندوق آنهاست ولی درمصاحبه مزبور دو بارزه، دربیاناتشان دیده میشود که قابل توجه است.

### بارزه نخست شرکت درانتخابات است

تاکنون صحبت اعلیحضرت ونیز بیانیه شورای به اصطلاح ملی! حکایت ازتحریم انتخابات بود ولی بیانات تازه اعلیحضرت گواه عدول ازتحریم انتخابات است، میفرمایند:

**> ایرانیان ازحق شهروندی خودشان دررای استفاده کنند و رای خودشان رابه اینکه رای من انتخابات آزاد است به سفارتخانه ها ودفترسازمان ملل درتهران بدهند <**

ترغیب ایرانیان به استفاده ازحق رای خود، شرکت درانتخابات است نه تحریم. تحریم به معنای حرام کردن ودوری جستن است.

مصاحبه کننده گفت: <خامنه ای گفته هررای که داده شود به مشروعیت نظام کمک میکند >

مصاحبه کننده خواسته بگوید که دعوت ایرانیان برای شرکت درانتخابات بطورکلی اسباب تقویت جمهوری اسلامی میشود درحالیکه تحریم، نشاندهنده انزجارمردم ازنظام ولاجرم کسروفقدان مشروعیت! میگردد.

اعلیحضرت سوال مزبوررا جدی نگرفتند؛ وبیانشان دراین باب جریان یافت که <انتخابات رژیم توهین به کرامت نفس وکرامت انسانی است >

تنها انتخابات رژیم توهین به کرامت انسانی نیست بلکه وجود جمهوری اسلامی توهین به کرامت و شرافت ملی ایرانی است؛ اینجاست که می بینیم شورای به اصطلاح ملی! با همین جرثومه فساد وخرد کننده شرافت ملی وکرامت انسانی بیعت کرده است واین بیعت هم زیرسایه اعلیحضرت صورت گرفته است.

به همین دلیل <توهین به کرامت انسانی است > که گروهی انتخابات جمهوری اسلامی راتحریم کردند، یعنی شرکت درانتخابات راتوهین به شرافت وکرامت ایرانیان دانستند. ولی درکمال تاسف اعلیحضرت وشورای ایشان نه تنها به تحریم انتخابات وارد نشدند، بلکه به فضیح ترین ورسوا ترین وضعی کرامت وشرافت ایرانیان راهدف گرفته اند وآن رجوع دادن ایرانیان به سفارتخانه های خارجی است.

توصیه تاکید آمیز رجوع ایرانیان به سفارتخانه ها دقیقا سرکوب کرامت وشرافت ایرانیان ودرمجموع شرافت ملی است.

## این تحریر سخن بی قدر و مقال نمیگوید، از حسن وقبح و سنت و قانون خبر میدهد

تشخیص مسائل اجتماعی از باب حُسن و یا قبح از طریق فرهنگ و باورهای ریشه ای مردم ممکن میشود.

برخی اعمال که در جوامعی، بسیار وقیح و غیر قابل تحمل است ممکن است در جوامع دیگری حسن و مورد استقبال عموم هم باشد. این ضابطه متلون در خود جوامع نیز حالت یکسان ندارد. برخی از افراد اعمالی را قبیح و نکبت بار و به دور از شرافت میدانند و برخی از افراد همان جامعه همان اعمال را ستوده میدانند.

جامعه برای کنترل این تضادها و برخورد ها که پایانی ندارد جز وسعت نکبت به طریقی متوسل شده که آن وضع قانون است. در گذشته که وضع قانون معمول نبود، مذاهب و آئین های دینی برای نظم و نسق دادن امور مردم و تعیین قبح و حسن وارد عمل میشد.

کلیت قانون در باب حُسن و قبح بر پایه ایجاد حق و در نهایت مشروعیت و مصونیت است. قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۱۳۳ از علت نامشروع بودن، تعریف ممتازی دارد و آن این است که < علت غیر مشروع آن است که بوسیله قانون انجام آن نهی شده است >

توسل به بیگانگان از بدو پیدایش ملت ایران عملی قبیح و بی شرافتی محسوب میشد؛ آقای احمد احرار (سر دبیر کیهان لندن) در جلد اول طوفان در ایران گفته است:

< تماس با خارجیان و سفارتخانه های خارجی از لحاظ افکار عمومی ننگ بزرگی محسوب میشد و همانقدر که کسی متهم به این کار میشد به پرونده سیاسی او مهرباطله میخورد >

عارف شاعر میهنی ما بیتی دارد که بازگوکننده قضاوت عامه نسبت به نکبت و قبح تماس با سفارتخانه های خارجی است او گفته است:

کسی که روبه سفارت پی امیدی رفت      دهید مژده که لال و کرو خموش آمد

در تطبیق مورد کسانی که در پی توصیه اعلیحضرت به سفارتخانه ها باهرامیدی بروند، از ردیف انسان عاقل و هشیار و آگاه خارج شده اند، و استفاده عارف از واژه < مژده > علامت نفرت از حضور آن اشخاص در جامعه میباشد.

در سال ۱۳۰۲ رضاشاه کبیر در مقام نخست وزیری ایران با صدور بیانیه ای تماس ایرانیان را با سفارت خانه های خارجی را ممنوع ساخت و اکنون اعلیحضرت رضاشاه دوم توصیه تماس ایرانیان را با سفارت خانه های خارجی مدنظر توام با تاکید دارند.

سالهای بعد از سال ۱۳۰۲ همان بیانیه ممنوعیت رجوع و تماس ایرانیان با سفارت خانه های خارجی پایه حقوقی برای تصویب ماده ۶۵ قانون مجازات عمومی و تعیین ۱۰ سال زندان گردید.

## واقعا مانده ام و نمیدانم

مانده ام و نمیدانم اصرار تاکید آمیز اعلیحضرت به مراجعه ایرانیان به سفارت خانه های خارجی از چه باب است، آیا به قبح آن آگاه نیستند و آنرا حسن میدانند، آنقدر تاکید و اصرار بر این موضوع،

حیرت آورنده که فکر میکنم اگر از ابتدا اعتراض و انتقادی به این توصیه نمیشد اعلیحضرت این چنان مدافع این کاربی حرمتی که بی شرافتی آن فریاد میکند نمیشدند.

آیا اعلیحضرت تصور میفرمایند که ایرانیان علیرغم مخالفت با جمهوری اسلامی آماده اند که بتوصیه ایشان به سفارتخانه ها رای بدهند؟ آیا اعلیحضرت تا این حد با فرهنگ و اخلاق ایرانی نا آشنا هستند که گمان دارند ایرانی مراجعه به سفارت خانه های خارجی راقبیح و ننگ نمیداند؟

آیا برای اعلیحضرت دشوار است که وزن سیاسی و احترام شخصیتی خودشان را با چنین توصیه ای که برای ایرانیان غیرقابل باور است ارزیابی کنند؟

اعلیحضرت برای خودشان یک سرمایه سیاسی و اعتباری قائلند؛ آیا طرح چنین مسائلی و تاکید مکرر آن، چیزی از آن سرمایه سیاسی و اعتباری باقی خواهد گذارد؟ و یا دقیقا یک سرمایه منفی برپایه تفرواحساس بی وفائی نسبت به فرهنگ و آرمانها خواهد شد؟

خمینی یکبار گفت؛ ملی چیست، ملی آفت است، سنگینی آن در تاریخ ماند، اجازه میفرمایند با احترام عرض شود که توصیه رجوع به سفارتخانه از آن حرف جلفی که خمینی زد گران بارتراست.

هیچ لازم نیست که مشاور و یا اخیرخواهی تباهی و سیاهی این سخن اعلیحضرت را برای ایشان تشریح کند. درک نحوست توصیه به مردم برای توسل به سفارتخانه ها از اعلی مراتب درک انسان هاست. اعلیحضرت که میفرمایند؛ «دستم قطع شود از بیگانه برای نجات ایران کمک نمیگرم» چطور پرچمدار مهلکه مزبور شده اند؟

منجلا ب راهمه تشخیص میدهند بوی گند آن چیزی نیست که معرف لازم داشته باشد، همه از آن دوری میکنند، توصیه رجوع به سفارتخانه ها دعوت مردم به منجلا ب است، آیا کسی حاضر است به منجلا ب وارد شود هر قدر هم که از راه رفتن خسته شده و یا با ناملا ییات سخت روبرو باشد؟

این چه توصیه ای است، یکبار فرمودید دیگر تاکید بر تاکید چرا؟! مردم را که نمیشود به کارخلاف قانون، خلاف شرافت و مردانگی و خلاف رسم و رسوم آنها، آنها در حد رجوع به سفارتخانه های خارجی دعوت کرد.

**اساسا بین اعتراض به انتخابات با رجوع مردم به سفارتخانه ها چه ارتباطی وجود دارد؟ آیا این دلیل و قرینه ای نمیشود که مردم لایق انتخابات آزاد نیستند؟**

در تمام دوران مبارزه به استثنای سال ۷۰ که در بیانیه شهریورماه اعلیحضرت؛ «شرکت نیروهای سیاسی در انتخابات آزاد کشور راه نجات کشور اعلام شد» و متعاقب آن داریوش همایون در کیهان لندن در رابطه با «تنهاراه نجات کشور شرکت در انتخابات است» نوشت: «هرکس راه دیگری دارد خوش گلدی» در سایر انتخابات جمهوری اسلامی جنبه تحریم انتخابات مورد توجه اعلیحضرت بود و همانطور که میدانیم جمهوری اسلامی از سال ۷۰ تاکنون نه قانون انتخابات و قانون اساسی آن تغییر کرده و نه برعایت حقوق حقه مردم رویکرد بهتری نشان داده. پس این سوال میتواند مطرح بشود که چه چیزی سبب شده که اعلیحضرت طرح توسل به سفارتخانه های خارجی را توصیه بفرمایند طرخی که نه در تاریخ مبارزه ایرانیان و نه در هیچ کشوری سابقه ندارد؟

شاردن سیاح فرانسوی در کتابش نوشته که ایرانیان هر دستور که پادشاهشان بدهد بادل و جان انجام میدهند الا دستوراتی که خلاف دین و آئین آنها باشد.

این توصیه اعلیحضرت نه تنها خلاف قانون و سنت و فرهنگ ایرانی بلکه خلاف دین و مذهب ایرانیان هم هست.

### نرخ گذاری در مصاحبه

مصاحبه کننده میگوید تاکنون از شورای ملی ایران استقبالی نشده حتی حزب مشروطه هم با این وضعیت آیا موفقیتی میبینید؟

اعلیحضرت میفرمایند شورای ملی منشور و اساسنامه ای معلوم دارد و سپس خواسته های شورا را بازگو میفرمایند.

ظاهراً باید فراموش کرده باشند که در مصاحبه با افق فرمودند؛ «هنوز منشور و اساسنامه شورا به تصویب نرسیده و موکول به مجمع موسس دیگری شده است» چیزی که بتصویب نرسیده چیز نامعلوم شناخته میشود نه معلوم، لذا فاقد اعتبار است، اول باید به اصالت حقوقی شورا و اسناد آن پرداخت و بعد ادعای توجه دیگران را به شورا داشت، شورا در حالت کنونی تنها یک نام است که متعلق به آقای پیرزاده [و خانم گلستان] است؛ نه اساسنامه مصوبه دارد و نه آرمان نامه و نه مدیران ناظر به مقررات اساسنامه، اصلاً شورای متولد حقوقی نشده که اعلیحضرت از آن بعنوان معلوم یاد میفرمایند این را میگویند در میان دعوا نرخ گذاری کردن.

هیچ چیزی از شورا هویدا نیست جز خود سری و رهبری آن از سوی کسانی که در پستوی شورا نشسته اند و تنها علامتی که از آن ها انتشار یافته فرانسوی بودن آنهاست.